

دروود و ادب به تمامی دبیران و مدرسان گرامی و دانش آموزان دوست داشتنی و سخت‌کوش سراسر ایران پهناور با توجه به تغییرات صورت گرفته در شرایط برگزاری کنکور سراسری و تأثیر سوابق تحصیلی در ورود به دانشگاه و موسسات آموزش عالی، بر آن شدیم تا منبعی مطمئن برای یادگیری و آموزش اثربخش و سنجش و ارزیابی هدفمند و موثر فراهم کرده و مسیر دانش آموزان عزیز را جهت کسب نمره (۲۰) در تمام امتحانات پیش رویشان هموار سازیم.

درباره کتاب

مجموعه کتاب‌های سیگنال ۲۰ خط سفید برای تمام دروس پایه دوازدهم در ۳ رشته تحصیلی علوم ریاضی و فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی به تالیف و گردآوری رسیده و شامل ۴ بخش اصلی می‌باشد.

۱. آموزش (درسنامه کاملاً کاربردی)

محتوای تالیفی درسنامه‌ها شامل تمام مطالب آموزشی مهم و کاربردی و مفاهیم اساسی و نکات کلیدی کتاب درسی بوده که موجب تسهیل فرآیند یادگیری شده و امکان مرورهای سریع و مانا و همچنین جمع‌بندی‌های دوره‌ای را در طول سال تحصیلی فراهم می‌سازد.

۲. سنجش (سوالات امتحانات نهایی و احتمالی)

به منظور بالا بردن سطح توانایی و مهارت دانش آموزان پایه دوازدهم برای پاسخگویی کامل و درست به پرسش‌های امتحانات گوناگون و تقویت یادگیری، سؤالاتی در تیپ و قالب‌های متنوع نهایی و تالیفی-احتمالی گردآوری و تالیف گردیده است؛ که با تمرین و تکرار مداوم این سوالات، امکان شناخت نقاط قوت و ضعف دانش آموزان را در درس‌های مختلف فراهم می‌سازد.

۳. نمونه سوال امتحان (امتحانات ۲۰ نمره‌ای نوبت اول و دوم - نهایی و احتمالی)

علاوه بر مجموعه سوالات طبقه بندی شده، ۲ نمونه امتحان تالیفی-احتمالی نوبت اول (دیماه)، ۲ نمونه امتحان تالیفی-احتمالی نوبت دوم (خردادماه)، امتحان نهایی دوره های شهریور و دی ماه ۱۴۰۱ و امتحان نهایی دوره خرداد ماه ۱۴۰۲ برای بررسی و ارزیابی میزان یادگیری و ارتقاء هرچه بیشتر توانمندی دانش آموزان عزیز و کسب بهترین نتیجه فراهم شده است.

۴. پاسخنامه تشریحی آموزشی

پاسخنامه کاملاً تشریحی و آموزشی سوالات در پایان کتاب برای تقویت یادگیری و کاهش حداکثری خطاها و اشتباهات احتمالی دانش آموزان آماده سازی شده است.

سیگنال بگیر تا بیست برو!

فهرست

بارم بندی

| نمره | موضوع ها | قلمروها |
|------|------------------|-------------------------|
| ۱ | معنی واژه | قلمرو زبانی (۷ نمره) |
| ۲ | املای واژه | |
| ۴ | دستور | |
| ۳ | آرایه‌های ادبی | قلمرو ادبی (۵ نمره) |
| ۱ | تاریخ ادبیات | |
| ۱ | حفظ شعر | |
| ۴ | درک مطلب | قلمرو فکری (۸ نمره) |
| ۲ | معنی و مفهوم نثر | |
| ۲ | معنی و مفهوم نظم | |
| ۲۰ | جمع نمرات | |

| درسنامه | سوال | پاسخنامه تشریحی |
|---------|------|-----------------|
| ۳ | ۱۱ | ۹۳ |
| ۱۴ | ۱۹ | ۹۴ |
| ۲۱ | ۲۸ | ۹۵ |
| ۳۰ | ۳۵ | ۹۶ |
| ۴۳ | ۴۷ | ۹۷ |
| ۴۸ | ۵۴ | ۹۷ |
| ۵۸ | ۶۴ | ۹۸ |
| ۶۸ | ۷۱ | ۹۹ |

| سوال | پاسخنامه امتحان |
|------|-----------------|
| ۳۸ | ۱۰۰ |
| ۴۱ | ۱۰۱ |
| ۷۵ | ۱۰۱ |
| ۷۸ | ۱۰۲ |
| ۸۱ | ۱۰۲ |
| ۸۵ | ۱۰۳ |
| ۸۹ | ۱۰۴ |



درس نامه

فصل اول ادبیات تعلیمی

ستایش

✓ حکیم سنایی: شاعر قرن ششم □ قالب درس: قصیده

□ قصیده: ابیاتی هم وزن که مصراع اول بیت با تمام مصراع‌های دوم ابیات هم قافیه است و حداقل ابیات ۱۵ بیت است.

معنی و مفهوم ابیات طلایی ستایش ویژه شب آزمون

✓ ملکا ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی

معنی: خدایا تو را ستایش می‌کنم که پاک و منزّه هستی، جز به راهی نمی‌روم که تو آن را به من نشان می‌دهی / یا جز به آن راهی که تو راهنمای من باشی نمی‌روم.

مفهوم: سیر در راه راست

✓ ملکا: اسم می‌تواند در جمله بدون علامت / یا همراه با علامتی مورد خطاب قرار گیرد.

□ «حرف ندا، ملکا: نقش منادایی دارد، «منادا» = شبه جمله و شبه جمله‌ها یک جمله محسوب می‌شوند.

✓ این بیت یاد آور سوره حمد است.

✓ در مصرع دوم توأم راهنمایی (کژتابی) نوعی ایهام دارد.

✓ توأم راهنمایی → تو راهنمای من هستی. / تو به من راه را می‌نمایی.

□ بیت، پنج جمله دارد/خدایی و پاک‌ی دو جمله‌ی اسنادی هستند/«که» که تحلیلی است به معنی «زیرا»

✓ همه درگاه تو جویم همه از فضل تو بومیم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

معنی: تنها به درگاه تو روی می‌آورم تنها به سبب لطف و کرم تو در تلاشم و تنها اقرار به یگانگی تو می‌کنم تو شایسته خدایی و پرستش هستی.

مفهوم: طلب هر چیزی فقط از خدا

□ «همه» تکرار شده و به معنی «فقط» آمده است/ «سزایی» جمله‌ی اسنادی است / «که» تحلیلی است به معنی «زیرا»

✓ نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

معنی: سنایی می‌گوید خداوند تو را نمی‌توان توصیف کرد زیرا تو در فهم ما نمی‌گنجی و نمی‌توان مانند برای تو آورد زیرا تو از خیال و گمان ما فراتر هستی.

مفهوم: غیر قابل توصیف بودن خداوند.

✓ بیت آرایه موازنه دارد.

□ بین «و هم وفهم» جناس دارد.

✓ مصرع دوم «تلمیح دارد به آیه ی: لیس کمثله شیء»

یادآوری

به یاد داریم که آرایه موازنه، تقابل سجع‌های متوازن در دو یا چند جمله است که به هم آهنگی آن‌ها می‌انجامد، **یادمان باشد** موازنه‌ای که همه سجع‌های آن متوازی باشد ترصیع نام دارد. (رشته انسانی)

✓ همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو پوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
معنی: همه غیب‌ها را می‌دانی، همه عیب‌ها را می‌پوشانی و همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست.

مفهوم: خداوند قادر به انجام هر کاری هست.

□ «همه غیبی تو بدانی» تلمیح به: «علام الغیوب»

□ «همه غیبی تو پوشی» تلمیح به: «ستار العیوب»

□ مصراع دوم تلمیح: «تعز من تشاء و تذل من تشاء»

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی

معنی: همه وجود سنایی از تو سخن می‌گوید شاید از آتش جهنم امکان رهایی وجود داشته باشد.

مفهوم: امید به بخشایش الهی

✓ لب و دندان «مجازاً کل وجود/ روی رهایی» ایهام

✓ لب و دندان سنایی ← دو ترکیب اضافی در این عبارت / ۱- لب سنایی / ۲- دندان سنایی

واژگان طلایی

• پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست و جوی چیزی، تلاش، رفتن / • تحفه: هدیه، ارمغان / • ثنا: ستایش، سپاس / • جزا: پاداش، کار نیک / • جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد / • جواد: بخشش، سخاوت، کرم / • حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست کردار، از نام‌های خداوند تعالی، بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کاری بیپوده انجام نمی‌دهد / • درگاه: پیشگاه، جلوی در / • ذکر: یادآوری، یادکردن / • سزا: سزاوار شایسته / • سنا: نور، روشنایی / • شبه: ماند، همسان / • عز: ارجمندی، گرامی شدن، مقابل ذل / فضل: بخشش، کرم / • کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام و صفات خداوند / • ملک: پادشاه، خداوند / • نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان دهنده / • وهم: پندار، تصور، خیال / • یقین: بی‌شبه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.

ایستگاه املا

عز / شبه / ثنا

واژگان هم‌آوا

✓ هم‌آوا: کلماتی که در تلفظ یکسان هستند اما معنا، املا و کاربردشان متفاوت است.

ثنا ← ستایش / سنا ← روشنی، بلندی

قلمرو زبانی

نکته

منادا: در دستور زبان، «منادا» کسی یا چیزی است که خطابش می‌کنیم «منادا» اسم است و در جمله نقش ندایی دارد. اسم را با حرف ندا «منادا» می‌کنیم.

* حرف ندا کدامند {آی، ای، یا، ا}

توجه: گاهی هم نشانه «منادا» در آخر واژه می‌آید مانند حرف «ا» در پایان واژه «ملکا» در بیت:

ملکا ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی
گاهی «منادا» به قرینه معنوی از جمله حذف می‌شود، مانند بیت:

ای همه هستی ز تو پیدا شده / خاک ضعیف از تو توانا شده

* ای {خدایی} ← منادای محذوف

* منادا چه باشانه و چه بی‌نشانه بیاید و چه فقط نشانه‌ی ندا تنها بیاید یک جمله محسوب می‌شود.

قلمرو ادبی

- همه عیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
- * عیبی، غیبی: جناس
* همه و تو: تکرار
* بیت: آرایه ترصیع دارد (رشته انسانی) * تلمیح به علام الغیوب و ستار العیوب
- * بکاهی، فزایی: تضاد
* بیشی، کمی: تضاد

درس یکم: درس نامه شکر نعمت و گنج حکمت (گمان)

- ✓ کتاب گلستان: اثر سعدی □ شاعر و نویسنده: قرن هفتم
- گلستان سعدی نثری است موزون، مسجع همراه با آرایه‌هایی همچون «استعاره، تشبیه، اضافه تشبیهی و همچنین متن درس آمیخته است با شعر»
- گنج حکمت «گمان» در زمره ادبیات تعلیمی
- برگرفته از کلیله دمنه، ترجمه نصرالله منشی

نکات طلایی معنی و مفهوم، ویژه شب آزمون

- ✓ مَتَّ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت (است)
- معنی: سپاس و ستایش مخصوص خداوند بزرگ و توانا است که اطاعتش باعث نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او سبب افزایش نعمت می‌گردد.
- مفهوم: شکر و سپاس خداوند.

□ «است» حذف به قرینه لفظی

✓ هر نفسی که فرو می‌رود، مُدِّ حیات است و چون برمی‌آید مُفْرَح ذات

- معنی: هر نفسی که می‌کشیم (دم) سبب ادامه زندگی است و هر نفسی که بیرون می‌دهیم (بازدم) شادی بخش وجود ما است.

□ (است) حذف به قرینه لفظی

□ آرایه لفظی سجع؛ در واژه‌های (حیات/ ذات)

✓ از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

- معنی: هیچ کس نمی‌تواند با توان و گفتار خود شکر و سپاس خداوند را به جای آورد.

مفهوم: ناتوانی انسان در شکرگزاری نعمت‌های خداوند

□ دست و زبان مجاز از: وجود

□ ش در شکرش ← مضاف الیه

□ بیت استفهام انکاری یا پرسش تأکیدی دارد.

✓ بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

- معنی: بنده همان بهتر است، به خاطر کوتاهی در عبادت و شکرگزاری در پیشگاه خداوند عذر بخواهد و گرنه آن چه را که سزاوار خداوند است هیچ کس نمی‌تواند به جای آورد.

مفهوم: ناتوانی انسان در شکرگزاری

□ به ← معنی بهتر (است)

□ قالب بیت: قطعه؛ (مصراع‌های زوج با هم، هم قافیه هستند) (ویژه رشته انسانی)

✓ باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

- معنی: بخشش و مهربانی بی اندازه خداوند همه را بهره‌مند کرده و سفره نعمت بی مضایقه‌اش در همه جا گسترده شده است.

✓ بیت: آرایه سجع (رسیده/ دیده) «است» به قرینه معنوی حذف شده است.

□ خوانِ نعمت (اضافه تشبیهی)

✓ «است» به قرینه معنوی حذف شده/ باران رحمت (اضافه تشبیهی)

✓ پرده ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای مُنکر نبرد.

- معنی: آبروی بندگان خود را با وجود گناهان آشکار نمی‌ریزد و روزی بنده‌ای را به خاطر گناهی که انجام داده قطع نمی‌کند.

مفهوم: به صفات رحمانیت خداوند اشاره دارد.

□ ندرد و نبرد ← «سجع»

□ پرده‌ی ناموس و وظیفه‌ی روزی «اضافه تشبیهی»

✓ درختان را به خلعت نوروزی، قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قُدم

موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.

- معنی: در فصل بهار، به عنوان هدیه نوروزی لباس سبز بر تن درختان کرده است، شکوفه را مانند کلاهی بر شاخه‌های کوچک درختان قرار داده است.

مفهوم: فرا رسیدن فصل بهار، محبت و لطف خداوند.

✓ قبای ورق/ اطفال شاخ / کلاه شکوفه / ← «اضافه تشبیهی»

✓ عصاره تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته

- معنی: شیرۀ درخت انگور به قدرت الهی به شهید برتر تبدیل شده و دانه خرما به سبب لطف و پرورش خداوند به درختی بلند تبدیل شده است.

مفهوم: لطف و قدرت خداوند

ابروباد و مه و خورشید و فلک در کارند تاتو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

- معنی: تمام عناصر جهان هستی (ابر، باد، ماه، خورشید، فلک) در تلاش هستند تا تو رزق و روزی به دست آوری و آن را در غفلت و بی خبری نخوری.

مفهوم: توصیه به غفلت نورزیدن

□ «نان» مجاز از: روزی/ «بین ابر، باد، ماه، خورشید، فلک» مراعات نظیر است.

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

- معنی: تمام جهان بزرگ آفرینش فرمانبردار و مطیع تو هستند. ای انسان دور از انصاف است که اطاعت خداوند را نکنی.

مفهوم: اطلاع پروردگار شرط آدمیت است.

درخبر است از سرور کائنات، مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صقوت آدمیان و تتمه‌ی دور زمان، محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم.

- معنی: در حدیثی از سرور، مایه افتخار و رحمت موجودات و برگزیده انسان‌ها و مایه کمال گردش روزگار محمد مصطفی، که درود خداوند بر او و خاندانش باد.

معنی: محمد مصطفی شفاعت کننده، فرمانروا، رسول، بخشنده و صاحب جمال، خوش اندام و معطر و دارای نشان پیامبری است.

مفهوم: ستایش پیامبر

✓ چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

معنی: ای پیامبر، امتی که پشتیبانی مانند تو دارد هیچ غمی ندارد و کسانی که کشتیبان و هدایت‌گری مانند نوح داشته باشد از امواج مشکلات و حوادث ترسی ندارند.

مفهوم: امت اسلام غم ندارد، چون پیامبر را دارد.

○ پشتیبان / کشتیبان: آرایه جناس

✓ بیت استفهام انکاری یا پرسش تأکیدی دارد.

✓ **اسلوب معادله:** مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است. / مصراع دوم تلمیح به کشتی نوح

✓ **واصفان حلیه** جمالش به تحیر منسوب

معنی: وصف کنندگان و ستایندگان زیور جمال خداوند به سرگشتگی نسبت داده شده‌اند.

✓ گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز

معنی: اگر کسی وصف خداوند را از من پرسد من عاشق بی نشان چگونه می توانم خداوند را وصف کنم.

مفهوم: خداوند وصف نا پذیر است

○ بی دل: عاشق / بی نشان: خداوند

✓ **عاشقان کُشتگان معشوق اند** بر نیاید ز کُشتگان آواز

معنی: عاشق همواره در راه معشوق کشته می شود و از کشتگان هرگز صدایی بر نمی خیزد.

مفهوم: عاشق واقعی در راه معشوق نابود شده است.

○ قالب بیت: قطعه

○ بیت آرایه تشبیه و نغمه حروف (واج آرایه) دارد ← عاشق به کشته تشبیه شده / تشبیه اسنادی (رشته انسانی)

✓ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده و در بحر مکاشفت متفرق شده؛ آن

گه که از این معاملت باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت:

معنی: یکی از یاران، در حال تفکر عارفانه و توجه به حق و در عالم کشف حقایق عرفانی غوطه ور بود. وقتی از این حالت خارج شد یکی از دوستان از روی صمیمیت گفت:

○ سربه مراقبت: کنایه از عبادت کردن / بحر مکاشفت: اضافه ی تشبیهی

○ معاملت: تفکر الهی ○ طریق انبساط: شادمانی، صمیمیت

○ بوستان: استعاره از: معرفت الهی

✓ «از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی»؟

معنی: در این معرفت الهی که قرار داشتی برای ما چه ارمغان آوردی؟

مفهوم: چه دعایی کردی برای ما؟!

✓ گفت: به خاطر داشتم چون به درخت گل رسم دامنی پرکنم هدیه اصحاب را.

معنی: گفت: به ذهن سپردم که وقتی به معشوق (خداوند) رسیدم، ارمغانی نیز برای دوستان بیاورم.

✓ هدیه اصحاب را: «را» به نشانه حرف اضافه ← به معنای «برای»

✓ «م» در گلم: نشانه‌ی مفعول است.

✓ «م» در دامنم: مضاف‌الیه است.

✓ چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست رفت!

معنی: هنگامی که به معرفت الهی رسیدم آنقدر غرق در وجود حق گشتم که خود و دیگران را فراموش کردم.

مفهوم: تحیر و سرگشتگی در وجود حق تعالی

✓ ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

معنی: ای عاشق ظاهری، عشق حقیقی را از پروانه یاد بگیر چون جان را از بدنش رفت اما دم نزد.

مفهوم: سکوت در راه عشق

✓ **مرغ سحر: نماد عاشق ظاهری / پروانه: نماد عاشق واقعی**

○ آواز: مجاز از: سخن

✓ این مدعیان در طلبش بی‌خبران اند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

معنی: کسانی که ادعا می کنند خداوند را شناخته‌اند از او آگاهی ندارند زیرا آنکه خداوند را بشناسد خبری به دیگری نمی‌رساند.

مفهوم: عاشق واقعی از معشوق دم نمی‌زند.

✓ که: پیوند وابسته ساز

✓ **گنج حکمت (گمان)**

✓ قصدی می‌کرد.

معنی: آماده‌ی حمله می‌شد.

✓ چون بارها بیازمود و حاصل ندید، فرو گذاشت.

معنی: چون چندین بار تلاش کرد ولی موفق نشد پس تلاش خود را رها کرد.

مفهوم: ناامیدی

واژگان طلایی

- **اعراض:** روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی / **انابت:** بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی / **انبساط:** حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد، خودمانی شدن / **اجابت:** برآوردن، قبول کردن / **اصحاب:** یاران / **باسق:** بلند، بالیده / **بحر:** دریا / **بط:** مرغابی / **بنات:** جمع بنت، دختران / **بنان:** سرانگشت، انگشت / **بی دریغ:** بی مضایقه / **پشتیبان:** پشت و پناه / **تاک:** درخت انگور، رز / **تتمه:** باقی مانده، **تتمه دور زمان:** مایه تمامی کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت / **تحفه:** هدیه، ارمغان / **تحیر:** سرگشتگی، سرگردانی / **تضرع:** زاری کردن، التماس کردن / **تقصیر:** گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / **تعالی:** بلندی، برتری / **جسیم:** خوش اندام / **جل و علا:** بزرگ و بلند مرتبه / **جیب:** بقیه و گریبان / **حلیه:** زیور، زینت / **خوان:** سفره، سفره فراخ و گشاده / **خصال:** جمع خصلت، خواه نیک باشد یا بد / **خلعت:** هدیه، مخصوصاً لباس، که بزرگی به کسی بخشد / **دایه:** زنی که جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند / **دجی:** تاریکی، ظلمانی / **دعوت:** خواهش، خواسته /

توجه

ویژگی حذف به قرینه لفظی، معادل فعل حذف شده است زیرا در جمله قبل و بعد وجود داشته است.

حذف به قرینه معنوی: خواننده یا شنونده از روی معنی و مفهوم جمله به جزء حذف شده پی می‌برد.

مثال: هرچه ارزان تر بهتر ← هرچه ارزان تر [باشد] بهتر است.

توجه

ویژگی حذف به قرینه معنوی: فقط از طریق معنا

نکته

نکته: حذف فقط در نهاد یا فعل است.

نکته: اگر نهاد حذف شود حتماً «قرینه‌ی لفظی» است چون شناسه همان «نهاد» است.

نکته: ۱- در منادها «حذف معنوی» فعل داریم ← به جان تو.....

۲- در تشکر از خدا «حذف معنوی» است

*خدا روشکر... *خدا را سپاس.....

نکته طلایی برتر

جهش ضمیر یا، جابه جایی ضمیر: گاهی در شعر و نثر براساس ضرورت شعری یا آهنگ کلام جای ضمائر متصل تغییر می‌کند.

نکته: بهترین راه شناخت نقش جهش ضمیر معنی کردن آن است مثال:

از سر در افتادت کلاه: (کلاه از سر تو افتاد) ← مضاف الیه

بغداد ش می نامند: (او را بغداد می نامند). ← مفعول

*چگونه تشخیص دهیم:

۱- ضمائر متصل را معین می‌کنیم.

۲- اگر شعر بود به نثر روان برگردانیم و خود به خود ضمیر متصل ما مشخص خواهد شد.

*دقت کنیم:

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت
[در این شب سیاه راه مقصودم گم گشت (م) بایست به مقصود اضافه شود نه به صفت
و مضاف الیه است]

در نثر سعدی: بوی گل چنان مست کرد. بوی گل چنان مستم کرد.

«م» در نقش مفعول و «مست» در نقش مسند «م» می‌بایست به مسند اضافه شود.

قلمرو ادبی

نکته برتر

* اضافه تشبیهی: تشبیهی که در آن «مشبه و مشبه‌به» به هم اضافه شده باشند و یا ادعا کردن مضاف‌الیه شبیه به مضاف و یا مضاف شبیه مضاف‌الیه مانند: سیل اشک (اضافه مشبه به ← مشبه‌به) / لعل لب (اضافه مشبه‌به به ← مشبه) اشک (مضاف‌الیه) را در شدت و انبوهی به سیل (مضاف) تشبیه کرده.

نکته: در اضافه‌ی تشبیهی حتماً یکی از کلمات مانند دیگری است: لب... مانند ← لعل / باران مانند رحمت

• ربیع: بهار / روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هرکسی روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد / وظیفه روزی: رزق مقرر و معین / زمردین: مثل زمرد سبز رنگ / شفیع: شفاعت کننده، پایمرد / شهید: عسل / شهید فایق: عسل خالص / صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر / صاحب دل: عارف / عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند / عز و جل: گرامی، بزرگ و بلند مرتبه است، بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود / عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست می‌آورد، افشرد، شیره / فاحش: آشکار، واضح / فایق: برگزیده، برتر / فراش: فرش گستر، گسترده فرش / قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند / قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرار رسیدن / قربت: نزدیکی / قسیم: صاحب جمال / کاینات: جمع کاینه، همه موجودات جهان / کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن / کلک: قلم / مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین براینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست، نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق / مزید: افزودنی، زیادی / مدعیان: ادعا کنندگان، خواهان / مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد / معاملات: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در متن درس مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است / معترف: اقرار کننده، اعتراف کننده / مفرح: هرچه بدان فخر کنند و نبالند، مایه افتخار / مفرح: شادی بخش، فرح انگیز / مکاشفت: کشف کردن، آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است / منسوب: نسبت داده شده / منت: سپاس، شکر، نیکویی / منکر: زشت، ناپسند / موسم: فصل، هنگام، زمان / مهمل: گهواره / ناموس: آبرو، شرافت / نبات: گیاه، رُستنی / نبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول / ورق: برگ / نقش بر کشد: نقاشی کند / نسیم: خوش بو / واصفان: جمع واصف، وصف کنندگان، ستايندگان / وسیم: دارای نشان پیامبری / وظیفه: مقرری، وجه معاش.

قلمرو زبانی

واژگان هم‌آوا

| | |
|-----------------------|-----------------------------|
| *قربت: خویش، نزدیکی | *غربت: دور شدن |
| *خوان: سفره | *خان: رئیس و بزرگ قبیله |
| *منسوب: نسبت داده شده | *منسوب: به مقامی گماشته شدن |
| *حیات: زندگی | *حیات: زمین محوطه خانه |

ایستگاه املا

خوان / عاکفان / مطاع / قسیم / باسق / قربت / فایق / انابت / حیات

نکات طلایی دستور

حذف: بخشی از کلام به دلایلی همچون اختصار و پرهیز از تکرار یا به ضرورت وزن حذف می‌شود.

انواع حذف

حذف به قرینه لفظی: خواننده یا شنونده از روی لفظ قرینه (نشانه) به جزء حذف شده پی می‌برد.

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی [بود]
قرینه ۱ حذف ۱

آن شب قدر که [آن‌ها] این تازه براتم دادند.
حذف ۲ شناسه قرینه ۲

✓ چه ابیاتی با درس مست و هُشیار، ارتباط مفهومی دارند.

دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی
 من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم
 گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو
 از برهنه کی توان بردن گرو؟»
 {مفهوم هر دو بیت: برگرفته از «حافظ و مولانا» تأکید بر ناآگاهی محتسبان ریاکار و ناآگاه
 به احکام شرعی را دارد که با متن درس ارتباط مفهومی دارد.

مفهوم کلی مصراع‌های منتخب:

گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»
 پاسخ: مفهوم بر رواج رشوه خواری در مأموران حکومتی
 گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»
 پاسخ: مفهوم بر، هموار بودن زمینه انحراف و نابسامانی اجتماعی

سوالات امتحان نهایی و احتمالی فصل اول

الف) قلمرو زبانی

لغت و املا

- ۱- تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی. (دی ۹۷)
 - ۲- هر نفسی که فرو می‌رود، مُمدّ حیات است. (دی ۹۸)
 - ۳- گفت: والی از کجا در خانهٔ خَمّار نیست. (خرداد ۹۹، شبه نهایی ۱۴۰۲)
 - ۴- دستِ اَنابِت به امید اجابت به درگاه حق بردارد. (خرداد ۹۹)
 - ۵- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسِق گشته. (شهریور ۹۹)
 - ۶- عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر معترف. (دی ۹۹)
 - ۷- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (دی ۱۴۰۰)
 - ۸- همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پیوم (دی ۹۷)
 - ۹- صفوت آدمیان و تتمهٔ دور زمان (احتمالی)
 - ۱۰- از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟ (دی ۹۸)
 - ۱۱- همه نوری و سروری همه جودی و جزایی (شهریور ۱۴۰۱)
 - ۱۲- گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» (احتمالی)
 - ۱۳- محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت (احتمالی)
 - ۱۴- در بیت زیر یک برابر معنایی مناسب برای واژه (شادی) بیابید. (خرداد ۱۴۰۲)
 «همه عزّی جلالی، همه علمی و یقینی
 همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی»
 - ۱۵- «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده» (خرداد ۱۴۰۲ خارج از کشور)
 با توجه به معنی واژه مناسب را انتخاب کنید.
 - ۱۶- طاعتش موجب است و به شکر اندرش مزید نعمت (قربت/غربت) (شهریور ۹۸)
 - ۱۷- واصفان حیلۀ جمالش به تحیر (منصوب / منسوب) (شبه نهایی ۱۴۰۲ و خرداد ۱۴۰۰)
 - ۱۸- نعمت بی دریغش همه جا کشیده (خون/خان) (دی ۹۹)
 - ۱۹- نتوان تو گفتن که تو در وهم نیایی (شبح/شبه) (دی ۹۷، شبه نهایی ۱۴۰۲)
 - ۲۰- عصارهٔ تاکی که به قدرت او شهد (فایق / فایغ) شده (شهریور ۹۸)
- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.**
- ۲۱- گفت نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم/ گفت: «والی از کجا در خانهٔ خَمّار نیست؟» (خرداد ۱۴۰۲ و دی ۹۸)
 - ۲۲- زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست/ در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست. (دی ۹۹)
 - ۲۳- گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان میروی/ گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست. (دی ۱۴۰۰)
 - ۲۴- گفت تا داروغه را گویم در مسجد بخواب/ گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست. (دی ۱۴۰۰)
 - ۲۵- بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت. (احتمالی)
 - ۲۶- در بیت زیر چند مفعول وجود دارد؟ (خرداد ۱۴۰۲)
 «بگفت: آنجا به صنعت درچه کوشند؟ بگفت: انده خرنند و جان فروشند»

نوع حذف فعل را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید.

- ۲۷- بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد (خرداد: ۹۸)
- ۲۸- در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب، (خرداد: ۹۸)
- ۲۹- چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان (احتمالی)
- ۳۰- همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری. (خرداد: ۹۹)
- ۳۱- در متن زیر، نوع حذف را مشخص کنید. (احتمالی)
- ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
الف) حذف به قرینه‌ی لفظی
ب) حذف به قرینه‌ی معنوی
- ۳۲- در عبارت «چون برسیدم بوی گلیم چنان مست کرد که دامنم از دست رفت.» (خرداد: ۱۴۰۲)
- الف) جمله پایه یا «هسته» را مشخص کنید. ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.
- ۳۳- با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید؟ (خرداد: ۱۴۰۲ خارج از کشور)
- گفت: (نزدیک است والی را سرای آن جا؛ شویم) گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست.»
الف) نقش دستوری «آن جا» را بنویسید. ب) ترکیب‌های اضافی را در بیت بالا مشخص کنید.
- ۳۴- با توجه به عبارت «دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.» به سوالات پاسخ دهید. (احتمالی)
- الف) نقش دستوری واژه «دایه» را بنویسید. ب) معنای «را» در این عبارت چیست؟
- ۳۵- اگر بیت زیر را به نثر برگردانیم، کدام واژه جزء اجزای اصلی جمله محسوب نمی‌شود؟ (احتمالی)
- گفت: «باید حد زند هشیار مردم مست را» گفت: «هشیاری بیار این جا کس هشیار نیست.»
الف) مست ب) مردم ج) هشیاری د) این جا

ب) قلمرو ادبی

آرایه‌های ادبی

- ۳۶- در عبارت «عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته» واژگان سجع را بنویسید (دی: ۹۷)
- بیت‌های زیر در بردارنده چه آرایه ادبی هستند؟
- ۳۷- گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان میروی گفت: جرم راه رفتن نیست، ره همواره نیست. (شهریور: ۹۹)
- ۳۸- چه غم دیوار امت را که دارد چو تو پشتیان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟ (خرداد: ۹۹)
- ۳۹- گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را گفت: هشیاری بیار، این جا کسی هشیار نیست (خرداد: ۹۹)
- ۴۰- قرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را گفته تا بنات نبات بپرورد. (خرداد: ۱۴۰۰)
- ۴۱- به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب را (احتمالی)
- ۴۲- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان بی دریغش همه جا کشیده (شهریور: ۹۹)
- ۴۳- گفت می‌باید تو را تا خانه قاضی برم گفت: «صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست.» (احتمالی)
- ۴۴- عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (دی: ۹۹)
- ۴۵- واژه‌های مشخص شده نماد چه مفاهیمی هستند.
- ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد. (خرداد: ۱۴۰۱)
- ۴۶- در عبارت «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف» کدام ترکیب «تشبیه» است؟
الف) تقصیر عبادت ب) عاکفان کعبه ج) کعبه جلال د) عاکفان جلال
- ۴۷- نام پدید آورندگان آثار زیر چه کسانی هستند؟ (احتمالی)
- الف) گلستان: ب) مست و هشیار: ج) کلیله و دمنه:
- ۴۸- متن زیر را بخوانید و برای هر یک از آرایه‌های خواسته شده نمونه بیاورید. (تشبیه، تشخیص، مراعات نظیر)
- «درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق دربر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه برسر نهاده.» (احتمالی)
- ۴۹- در بیت زیر، کاربرد آرایه‌های «تشبیه، مراعات نظیر، تلمیح،» مشهود است؟ (خرداد: ۱۴۰۲)
- «چه غم دیوار امت را که دارد چو تو پشتیان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟»

| ردیف | سوال | نمره |
|------|--|--|
| | قلمرو فکری | |
| ۱ | عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید. الف) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد ب) گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم کف» والی از کجا در خانه خمار نیست؟ پ) جامه‌های کاوشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است ت) تا واره‌ی از دم ستوران وین مردم نحس دیو مانند ج) تن ز جان و جان ز تن مستور لیک کس را دید جان دستور نیست چ) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند | ۰/۷۵ ۰/۵ ۱ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ |
| ۲ | با توجه به بیت‌های زیر منظور مولانا از «تی» و «نیستان» چیست؟ بشنو این نی چون حکایت می کند از جدایی‌ها حکایت می کند کز نیستان تا مرا ببریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند | ۰/۵ |
| ۳ | با توجه به نوشته زیر مفهوم کلی آن را بنویسید. کلمات را کنار زنی و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید. | ۰/۵ |
| ۴ | در بیت زیر منظور شاعر از «مادر سرسپید» و «فرزند سیاه بخت» چیست؟ ای مادر سر سپید بشنو این پند سیاه بخت فرزند | ۰/۵ |
| ۵ | در عبارت زیر مقصود نویسنده را بیان کنید. «امپراتورهای بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند» | ۰/۵ |
| ۶ | در بیت‌های زیر مقصود از موارد مشخص شده است؟ «همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت» | ۰/۵ |
| ۷ | با توجه به مصراع‌های زیر، شاعر به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد. گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست» | ۰/۵ |
| ۸ | بیت زیر بر چه مفهومی دلالت دارد. «گر کسی وصف او زمن پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟» | ۰/۵ |
| ۹ | در مصرع «تی حدیث راه پر خون می‌کند» منظور از «راه پر خون» چیست؟ | ۰/۵ |

| ردیف | سوال | نمره |
|------|---|------|
| | قلمرو فکری | |
| ۱ | معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) بی‌آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم. ب) دستتان را بر چشم‌های درشتتان <u>حمایل</u> کرده بودید ج) <u>هیون</u> آرد از دشت صد کاروان د) دیگر اکنون آن <u>عماد</u> تکیه و امید ایران شهر. | ۱ |
| ۲ | معادل معنایی واژگان زیر را بنویسید. تعب: وجنات: آخته: صحیفه: | ۱ |
| ۳ | در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را بیابید و شکل صحیح آن را بنویسید. «عرصه ناوردهای حول - خود زرین - آذرم - مسر - تصنعی - غرس - مضق - جبین» | |
| ۴ | با توجه به عبارت زیر ضمائر را بیابید و نوع آن را بنویسید. «آهسته به پشت سرتان رفتیم تا بتوانم همچنان با شما باشم» | |
| ۵ | مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. کوهان: بابکان: خندان: گیلان: | ۰/۵ |
| ۶ | در عبارت‌های زیر نوع پیوند «همپایه ساز و وابسته ساز» را مشخص کنید. خاطر جمع باشید که از عهده بر خواهیم آمد مهمان‌ها با او هم صدا شدند و دست جمعی خواستار بردن غاز گردیدند. | ۱ |
| ۷ | در بیت زیر نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید. که هر چند فرزند هست ارجمند دل شاه از اندیشه یابد گزند | ۰/۵ |
| ۸ | در عبارت‌های زیر نوع حذف فعل را بررسی کنید و نوع آن را بنویسید. همگنان خاموش / گرد بر گردش ، به کردار صدف برگرد مروارید، / پای تا گوش چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن | ۱ |
| | قلمرو ادبی | |
| ۹ | مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید. سماق مکیدن : جهان از شما بیشتر دیده‌ام: بباید زدن سنگ را بر سبوی: چند مرده حلاجی: | ۱ |
| ۱۰ | « با توجه به عبارت‌های زیر واژه‌های مشخص شده نماد چه کسانی است؟ آنگاه باز شکاری که شاهان او را روی شست می‌نشانند. سایه‌ای را دید / و شغاد، آن نابردار بود. | ۰/۵ |



فصل اول

- ۱- ستایش
- ۲- مددکننده / باری کننده
- ۳- می فروش
- ۴- پشیمانی و توبه
- ۵- بلند
- ۶- کسانی که مدتی معین در مسجد می مانند
- ۷- مثل و مانند
- ۸- تلاش، رفتن، جست و جو
- ۹- باقی مانده
- ۱۰- ارمغان، هدیه
- ۱۱- بخشش، سخاوت، کرم
- ۱۲- خود را نجات بده
- ۱۳- مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.
- ۱۴- سروری
- ۱۵- درخت انگور، رز
- ۱۶- قربت
- ۱۷- منسوب
- ۱۸- خوان
- ۱۹- شبه
- ۲۰- فایق
- ۲۱- «را» را فک اضافه / یاد آوری: را فک اضافه به جای نقش نمای اضافه می آمد و مضاف الیه را بر مضاف مقدم می کند. / شومیم: فعل اسنادی / نیست: در معنای وجود ندارد غیر اسنادی

نکته: شومیم در گذشته معنی رفتن داشته و در اینجا فعل اسنادی نیست.

- ۲۲- فعل اسنادی / غیر اسنادی ۲۳- اسنادی
- ۲۴- داروغه (مفعول) خوابگاه مردم (ترکیب اضافی)
- ۲۵- مفعول / مضاف الیه
- ۲۶- چهار مفعول ص ۲۰ کتاب
- ۲۷- حذف به قرینه معنوی ۲۸- حذف به قرینه لفظی
- ۲۹- حذف به قرینه لفظی ۳۰- حذف به قرینه معنوی
- ۳۱- حذف به قرینه معنوی ای مرغ سحر هستم = حذف به قرینه معنوی

یادآوری: هر گاه معادل فعلی در جمله ای حذف شده باشد از طریق معنا به بخش حذف شده پی می بریم.

۳۲- الف) گلم چنان مست کرد (جمله «پایه یا هسته») است. / ب) م در گلم در نقش «مفعول» و مست در نقش «مسند»

یادآوری: طریق = تشخیص جمله پایه و پایه (هسته): جمله ای که در آن یک از حروف پیوند {که، تا، چون، اگر، زیرا و ...} قرار دارد پیرو و جمله ای کامل را پایه یا هسته در نظر می گیریم.

۳۳- الف) آن جا «متمم»

نکته: عبارت را معنی می کنیم: خانه حاکم نزدیک است به (حرف اضافه) آن جا (متمم) روییم.

هر گاه حرف اضافه، قبل از کلمه ای قرار گیرد آن کلمه در نقش «متمم» ظاهر می شود.

ب) خانه خمار (ترکیب اضافی)

۳۴- الف) به دایه ابر بهاری

↓
متمم
حرف اضافه

ب) را: معنی «به» می دهد و حرف اضافه است.

یادآوری:

انواع را:

نشانه مفعول است و به دنبال گروه اسمی می آید.

را مفعولی: با سوال «چه کسی را، چه چیزی را» همخوانی دارد.

را حرف اضافه: نشانه متمم است و بعد از گروه اسمی می آید و در یکی از معانی «از،

به، برای، در، ...» کاربرد دارد.

را فک اضافه: به جای نقش نمای اضافه می آید و مضاف الیه را بر مضاف مقدم

می کند

۳۵- هشیاری: معنی ← محتسب گفت: باید مردم هوشیار، افراد مست را مجازات

شرعی کنند، مست گفت: یک هشیار

نکره

پیدا کن تا این کار را انجام دهد زیرا که اینجا کسی هشیار نیست.

۳۶- فایق، باسق / سجع / شده، گشته / سجع

۳۷- افتان / خیزان: «تضاد» مصرع دوم / «کنایه از: حاکمان فاسد در جامعه»

۳۸- تلمیح، استفهام انکاری، / پشتیبان و کشتیبان: جناس / موج، بحر: مراعات النظیر

۳۹- هشیار، مست: تضاد / آرایه تکرار / آرایه کنایه: «کسی هشیار نیست»

کنایه از: فساد عمومی

۴۰- نبات/ بنات ← جناس خط / فراش باد صبا ← اضافه تشبیهی فرش

زردین استعاره از: سبزه و چمن / مراعات النظیر: فراش، فرش، بگسترده

۴۱- کنایه از عالم عرفان (حقیقت)

۴۲- رسیده، کشیده ← سجع

۴۳- صبح و نیمه شب ← تضاد

۴۴- سجع

۴۵- عاشق ظاهری / عاشق واقعی و حقیقی

۴۶- کعبه جلال

۴۷- سعدی / پروین اعتصامی / نصرالله منشی

۴۸-

قبای ورق ← ورق مانند قیاس / وجه شبه ← برتن کردن

تشبیه ← اطفال شاخ ← شاخه ها مانند اطفال هستند / وجه شبه: نونهال بودن

← کلاه شکوفه ← شکوفه مانند کلاهی است.

تشخیص: قدوم موسم / مراعات نظیر: (شکوفه، شاخ، درختان، ورق) (قبا، کلاه، خلعت)